



تحلیل حقوقی اعلام جرم در تعقیب کیفری

علیرضا مهدی‌پور مقدم^{۱*}، باقر شاملو^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

۲. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۸)

چکیده

امروزه در راستای افزایش سرعت در تعقیب جرایم، مقنن با پذیرش جایگاهی برای آحاد جامعه، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های دولتی و کارکنان آنها سعی نموده است در جهت مقابله با بی‌کیفرمانی بزه‌کاران و افزایش حمایت از برخی بزه‌دیدگان تلاش نماید. به همین منظور، پذیرش جایگاهی برای عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴) خود با پررنگ شدن اعلام جرم در دادرسی‌های کیفری و لزوم تحلیل حقوقی آن همراه بود. از یک‌طرف اعلام جرم در مقایسه با مفاهیمی چون شکایت از جرم و گزارش جرم اشتراکاتی دارد که به نحو شایسته موضوع تفکیک قانونگذار قرار نگرفته است، از طرفی نیز پیش‌بینی تقنینی اعلام جرم در قالب مصادیقی چون شخصیت اعلام‌کننده جرم، جرم موضوع اعلام و اینکه کدام مقام صلاحیتدار دریافت نهایی اعلام جرم تلقی می‌گردد نیازمند بازشناسی جامع است. در نهایت نیز شرایطی که می‌بایست در قوانین به‌منظور افزایش اثربخشی اعلام جرم پیش‌بینی گردند، از شیوه اعلام جرم تا ضمانت اجرای ناظر به عدم اعلام جرم، اعلام جرم توأم با سوءنیت و نیز اعلام جرم غیراصولی مباحث مهمی هستند که فقدان تحلیل‌ها در آنها کامل مشهود است. در همین راستا، به نظر می‌رسد که لزوم پیش‌بینی ضابطه مند و دقیق اعلام جرم در تفکیک از گزارش جرم و نیز اشاره به ضمانت اجرای عدم تعقیب مسبوق به اعلام‌های جامعوی می‌تواند به رویه‌های قضایی جهت‌ی اثربخش بدهد.

کلید واژگان

اعلام جرم، اعلام‌کننده جرم، گزارش جرم، تعقیب کیفری، شرایط حقوقی

* armehdipour1356@gmail.com

مقدمه

به تدریج، تحت تأثیر ملاحظاتی چون مطالعات بزه دیده شناسی حمایتی (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۸۵) و مبانی عملی مهمی چون مقابله با اطالهی دادرسی و بی کیفرمانی بزهکاران، اعلام جرم واجد جایگاهی قابل توجه در دادرسی‌های کیفری گشت^۱. به‌علاوه از طرفی نیز، با توجه جهانی شدن برخی جرایم و افزایش روزافزون جرایم اقتصادی و به‌ویژه جرایم سازمان‌یافته فراملی و تشکیل باندهای تبهکاری که نه فقط امنیت داخلی بلکه امنیت بین‌المللی را نیز به مخاطره می‌اندازند توسل به کمک شهروندان و استفاده از اطلاعاتی که فقط برخی از آنان به مناسبت شغل یا موقعیت خاص خود در اختیار دارند و حتی اجبار آنان، در برخی موارد مانند کودک‌آزاری، به کشف و تعقیب جرم کمک می‌کند. در واقع، نخستین جنبه مشارکت مردم در فرآیند کیفری به کشف و تعقیب جرم برمی‌گردد که حتی با انحصار دولت‌ها مردم می‌توانند از گذر اعلام و افشای جرم در فرآیند کیفری مشارکت کنند (دل ماس مالتی ۱۳۸۴، ص ۱۳۲). برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماع در برخی از کشورها از جمله آمریکا به سمت «تعقیب اجتماعی» روی آورده‌اند. در این راستا مقامات تعقیب، ضمن ارتباط با مقامات محلی به شناسایی و کشف جرایم و مسائل مرتبط با جرم می‌پردازند. بدین ترتیب با مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کشف و تعقیب جرم، ضمن برقراری اعتماد لازم میان عموم مردم و دستگاه قضایی، زمینه فراهم شدن امنیت عمومی نیز فراهم می‌شود. این اقدام به‌نوعی باعث نزدیک شدن خواسته‌ها و افکار عمومی جامعه با سیاست کیفری می‌شود و مجموعه سیاست‌ها را با واقعیات اجتماعی همراه می‌کند. به‌علاوه با توجه به جایگاه سازمان‌های غیردولتی و تخصصی بودن آنها و نیز شرایطی که به‌موجب آن اجازه فعالیت به آنها داده می‌شود، اظهار نظر آنها و اعلام جرم به‌وسیله آنها به‌طور معمول از اشخاص حقیقی از استحکام و دقت بیشتری برخوردار است. بر همین اساس، در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۴ (اصلاحی و اجرایی ۱۳۹۴)، سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان «اعلام‌کننده جرم» مورد پذیرش قرار گرفت، هر چند ارتقای فعالیت در قالب شاکی بودن نیز می‌توانست از وجاهت و ضرورت‌های عملی قوی‌تری برخوردار باشد^۲. به‌هر حال این رویکرد قانونگذار، تحلیل جایگاه قانونی اعلام جرم در متن مقرراتی که پیش از این ماده به اعلام جرم پرداخته بودند، اهمیتی مضاعف بخشید؛ زیرا نگرش اعلام جرم، بر نوعی مشارکت با کنشگران تعقیب دعوای عمومی تأکید دارد که خواه از سوی اشخاص دولتی و یا اشخاص غیردولتی، خود

۱. به اعتقادی نیز پیش‌بینی عملکرد جامعه‌ی در جهت مساعدت به نظام عدالت کیفری در قالب سیاست جنایی

مشارکتی قابل توجهی می‌باشد. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (جمشیدی، ۱۳۹۰)

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص جایگاه منفعل سازمان‌های مردم‌نهاد متن لایحه آیین دادرسی کیفری و قانون قبل

از اصلاح ۱۳۹۴ ر.ک (کوشکی، ۱۳۹۲)

پذیرش آن با چالش‌های متعددی مواجه است که مقدم بر رفع آنها، آسیب‌شناسی نقاط ضعف و قوت قانون ضرورت دارد.

با نظر به اینکه اعلام جرم در دادرسی کیفری و به‌عنوان مبنایی برای آغاز تعقیب کیفری شناخته شد، لازم است که از یک‌طرف مفهوم اعلام جرم آن‌هم با ترسیم نقاط مشترک و متفاوت آن با مفاهیمی چون شکایت از جرم و گزارش آن به‌عنوان سؤال اساسی تبیین گردد. اینکه در مصادیقی مقنن اعلام جرم را بسته به حوزه‌ی جرم ارتكابی، آن را اختیاری و گاه الزامی پیش‌بینی نموده است اقتضا می‌نماید تا اقسام اعلام جرم و مصادیق قانونی آن تحلیل و اشاره شود. شرایط حقوقی اعلام جرم، در بستر شیوه‌ی ایفای نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز دیگر اعلام‌کنندگان جرم و نیز شرایطی که می‌بایست در قانون و به‌منظور افزایش اثربخشی اعلام جرم مدنظر قرار گیرد ابعاد مهم دیگری هستند که در سه قسمت مجزا بدانها پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم شناختی و دسته‌بندی اعلام جرم

قبل از پرداختن به تشریفات حقوقی ناظر به اعلام جرم مقتضی است که در قالب عنوان فوق، نه‌تنها به تحلیل مفهوم نوین اعلام جرم برآمد، بلکه علاوه بر آن دسته‌بندی‌های قابل‌ارائه برای اعلام جرم نیز می‌تواند بحث مقدماتی مفیدی را برای مباحث آتی فراهم سازد.

۱.۱. تبیین مفهوم شناختی اعلام جرم در مقایسه با مفاهیم مشابه

لازم به ذکر است که در گذشته، اعلام جرم دامنه نسبتاً محدودی داشته است و با توجه به اینکه در عرصه جرایم سیاسی از آن به «لو دادن» تعبیر می‌شده است، از منظر اخلاقی و ایدئولوژیک، به‌ویژه با توجه به حوادثی که در قرن بیستم و در جنگ جهانی دوم و پس‌از آن رخ داده، قابل سرزنش بوده است (آشوری، ۱۳۹۵، ص ۲۳۴). مع‌هذا، در سطح جهانی، کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰ تا آنجا پیش رفته که حفظ اسرار مالی بانک‌ها را در جهت مقابله با پول‌شویی محدود کرده است و بند ۸ ماده ۱۸ این کنوانسیون مقرر می‌دارد که «دولت‌های عضو نباید با استناد به رازداری بانکی از انجام معاضدت حقوقی متقابل خودداری کند». در کنوانسیون مریدا ۲۰۰۳ نیز از دولت‌های عضو درخواست شده است که اقدامات تقنینی برای تسهیل گزارش فساد مالی و اداری به مراجع مربوط معمول دارند. در سطح داخلی نیز شاهد موارد عدیده‌ای از اقدامات قانون‌گذاری در جهت مبارزه با فساد مالی، اداری و به‌ویژه پول‌شویی و تطهیر درآمدهای نامشروع هستیم.^۱

۱. که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اعلام‌کننده جرم، اعم از اینکه یک شهروند عادی، یک شخص حقوقی و یا یک مأمور رسمی باشد، فاقد نفع شخصی در تعقیب جرم است و در حقیقت این اشخاص با اعلام خود، مقامات مسئول را در کشف بزه و تعقیب متهم مطلع می‌کنند.^۱ به عبارت دیگر، اعلام جرم اقدامی است اخلاقی، مذهبی، اجتماعی و در پاره‌ای از موارد قانونی که قوه قضائیه را در انجام دادن وظایفش

الف) ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) رؤسا، مدیران یا مسئولان برخی سازمان‌ها و مؤسسات (به شرح ماده ۵۹۸ همان قانون) را که از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی با جرایم موضوع مواد ۵۹۹ و ۶۰۳ در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را به مراجع قضایی یا اداری برای تعقیب فرد متخلف اطلاع ندهند به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و انفصال موقت از شش ماه تا دو سال تهدید کرده است.

ب) ماده ۲۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶/۸/۱۷ اعضای شورای اسلامی روستا را مکلف کرده است که به محض اطلاع از کشت خشخاش، کولا و غیره مراتب را به نزدیک‌ترین پاسگاه یا حوزه انتظامی اطلاع دهند.

ج) ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲ سازمان‌های قانونی و مدنی را شاکای تلقی کرده است...

د) ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ سازمان بورس و اوراق بهادار را مکلف به جمع‌آوری مدارک مربوط به جرایم موضوع این قانون کرده و علاوه بر ارائه مدارک به مراجع قضایی حق پیگیری دعوی کیفری را نیز برای کارکنان آن ملحوظ داشته است.

برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به (جوانمرد، ۱۳۹۲)

۱. البته لازم به ذکر است که به موجب برخی مطالعات، «از مهم‌ترین مشکلاتی که امروزه نظام عدالت کیفری با آن مواجه می‌باشد مشکل عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی است. نتایج تحقیقات در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که عوامل مختلفی گزارش جرایم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به عدم اعلام جرایم ارتكابی توسط افراد به مقامات ذی‌صلاح می‌گردد. یکی از عواملی که هر ساله میزان گزارش جرایم را دستخوش تغییر و تحول می‌کند، نوع جرایم ارتكابی است. در حالی که هر ساله میزان بالای از جرایم علیه اموال به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی گزارش می‌گردند، در جرایم جنسی، تمامی کشورها با عدم تمایل افراد به اعلام جرم مواجه هستند. اهمیت جرم از منظر بزه دیده نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار در میزان گزارش جرایم است. زمانی که جرمی علیه تمامیت جسمانی افراد اتفاق می‌افتد و یا خسارت‌های جانی و مالی ناشی از جرم قابل توجه است یا مرتکب جرم در ارتكاب آن از اسلحه استفاده کرده است، افراد با اعتقاد به مهم بودن جرم سعی بر آن دارند تا با گزارش جرایم به ضابطان دادگستری و یا مقامات قضایی در صدد پیگیری آن برآیند. محل ارتكاب جرم نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر عدم گزارش جرایم از جانب بزه دیدگان به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری است. نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بسته به این که جرم در مدرسه، محل کار، خانه و یا اماکن عمومی واقع گردد، تمایل افراد به گزارش جرم متفاوت است. از آنجایی که اتخاذ هرگونه برنامه و تدبیری در سیاست جنایی برای مبارزه با پدیده بزه‌کاری، زمانی کارایی لازم را خواهد داشت که مبتنی بر آگاهی از کمیت و کیفیت بزه‌کاری و به تبع آن بزه دیدگی در جامعه، به‌ویژه آمار صحیح و قابل اعتماد از آن باشد و عدم گزارش جرایم مانعی جدی بر سر راه این هدف است، بنابراین شناسایی عوامل عدم گزارش جرم ارتكابی از جانب افراد و ارائه راهکارهایی جهت برطرف ساختن آن‌ها می‌تواند به موفقیت و اعتبار بیشتر نظام عدالت کیفری و نهادهای ذی‌ربط منجر گردد و سیاست جنایی را در اتخاذ برنامه‌هایی کارآمد جهت مبارزه با پدیده بزه‌کاری یاری دهد».

برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (صفاری و سیفی، ۱۳۹۴، ص ۵۹)

یاری می‌دهد (آشوری، ۱۳۹۵، ص ۲۳۵). در مقایسه این مفهوم با شکایت در دادرسی کیفری بایستی عنوان نمود که شاکی با مراجعه به ضابطان یا مقامات قضایی و با طرح شکایت، تعقیب و به کیفر رساندن مشتکی عنه را از یک سو و جبران خسارت وارد بر خود را از سوی دیگر مدنظر دارد. بدین ترتیب شاکی کسی است که شخصاً - اعم از حقیقی و حقوقی - یا افراد تحت ولایت یا قیمومیت او و یا افرادی که به نمایندگی قانونی از سوی آنان اقدام می‌کند از وقوع جرم زیان دیده‌اند؛ بنابراین ارکانی چون زیان دیده بودن و تقاضای جبران خسارت مؤلفه‌های مهم شکایت هستند که مفهوم اعلام جرم فاقد آنهاست. به تعبیر دقیق‌تر می‌توان بیان داشت که با توجه به تفکیک مقرر در ماده ۱۰ ق.ا.د.ک شاکی به شخص متقاضی تعقیب مرتکب تعبیر شده است، به موجب این امر اگرچه در تقاضای تعقیب این دو مفهوم با یکدیگر یکسان هستند، اما از حیث نوع متقاضی مستقیم بودن رابطه‌ی میان شاکی و جرم تفاوت اساسی آن را با اعلام جرم مشخص خواهد ساخت. از منظر تفاوت میان مدعی خصوصی مقرر در ماده اخیرالذکر و اعلام جرم نیز می‌توان به بُعد جبران ضرر و زیان اشاره نمود، امری که در قالب اعلام جرم نمی‌گنجد.^۱ نکته‌ی بسیار مهمی که در آخر لازم به اشاره است و تاکنون در هیچ پژوهشی بدان پرداخته نشده است اینکه، گاهی در برخی مصادیق شکایت مستقیماً به مرجع قضایی اعلام نمی‌گردد بلکه برخی نهادهای دولتی متولی دریافت شکایت می‌شوند، در این حالت بعد از دریافت شکایت، این نهاد مسئول رسانیدن آن شکایت به مرجع مقتضی قضایی است. در این حال اولاً طرح شکایت ابتدایی لزوماً همان مفهوم کلاسیک و قضایی از شکایت را در بر ندارد، ثانیاً اینکه اعلام شکایت از سوی نهاد دولتی به مرجع قضایی را می‌توان بسیار شبیه اعلام جرم تعریف شده در فوق دانست. در همین راستا می‌توان به تبصره ۴ ماده ۲۹ آیین‌نامه قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو اشاره نمود که به موجب آن «کلیه نهادها و سازمان‌هایی که مصرف‌کنندگان جهت طرح شکایت به آنها مراجعه می‌نمایند موظفاند شکایت مصرف‌کننده را به وزارت ارسال نمایند». با توجه به اینکه نهادهای مذکور موظف به ارسال شکایت به «وزارت» هستند معلوم می‌شود که شکایت یادشده شکایت

۱. البته بحث جالبی که می‌توان مطرح نمود این است که گاه در واژه‌هایی چون تظلم می‌توان هم‌نشینی دو مفهوم شکایت و اعلام جرم را مشاهده نمود. به نظر ما این گونه می‌رسد که در برخی مصادیق قانونی قانونگذار در حالت دشواری تفکیک میان اعلام جرم و شکایت از جرم از واژه‌ای مانند تظلم استفاده کرده است. به عنوان مثال در ماده ۵۷۲ ق. تعزیرات مقرر شده است «هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفسال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد».

کیفری نیست، بلکه صرفاً شکایت از تخلف تولیدکننده از ضوابط و مقررات وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

اما سؤالی که در قالب این مفهوم قابل طرح هست این است که آیا اعلام جرم^۱ از اطلاع وقوع جرم جداست؟ سؤال دیگر اینکه مفهوم گزارش جرم در مقایسه با اطلاع جرم^۲ و اعلام آن از چه وجه تفاوتی برخوردار است؟ به نظر می‌رسد که اطلاع جرم واقعه به دادستان و مقام تعقیب با واژه‌ی اعلام جرم انطباق مفهومی دارد و تفاوت اصطلاحی موجود ب علت تفاوت نگرش به این فعل مرتبط با جرم ارتكابی است؛ در اطلاع به جرم نتیجه‌ی مطلع شدن مقام تعقیب مدنظر است اما در اعلام جرم وظیفه‌ی اجتماعی اعلام‌کننده منظور است. نکته‌ی دیگری که به نظر می‌رسد این است که اطلاع دادن جرم از نظر قانونگذار ناظر به حالتی است که مرتکب از جرم خبر می‌دهد و این امر به عاملی برای تخفیف مجازات وی تبدیل می‌گردد، درحالی‌که اعلام جرم نه عامل تخفیف است و نه از سوی بزهکار بیان می‌گردد.

حال در رابطه با وجود یا عدم وجود تفاوت میان اعلام جرم و گزارش جرم نیز به نظر می‌رسد که فرض اساسی مبتنی بر تفاوت این دو مفهوم قوی هست. در قالب تفاوت آنها به نظر می‌رسد که مفهوم گزارش و گزارش دهی مفهومی جرم شناختی است و در قالب محورهای متعددی از جمله جرم‌شناسی پیشگیرانه دارای کارکرد و جایگاه می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۵، صص ۸-۱۰)، اما اعلام جرم مفهومی مبتنی بر دادرسی کیفری است و در قالب آن بار حقوقی و مؤلفه‌های موجود در ضمن آن بسیار پررنگ می‌باشد. بعد از ذکر تفاوت‌ها باید به این نکته‌ی مهم اشاره نمود که وجود اشتراک میان نتیجه و نیز مبانی این دو مفهوم کاملاً بدیهی است؛ نتیجه‌ی تقاضای تعقیب و مبانی مقابله با بی‌کیفرمانی. گسترده بودن دامنه‌ی گزارش دهندگان و اعلام‌کنندگان از وجوه اشتراک دیگر

۱. بحث مهم دیگر این است که میان شکایت از جرم و اعلام آن، از حیث تضرر مستقیم از جرم تفاوت وجود دارد؛ امری که در اعلام جرم وجود ندارد. برای تفصیل بیشتر ر.ک (نیازپور، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴).
۲. مصداق اطلاع جرم را می‌توان در ماده ۵۰۷ قانون تعزیرات مشاهده نمود «هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد». همچنین ماده ۱۷ از قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶ نیز اعلام در معنای اطلاع چنین به رسمیت شناخته شده است: «سازمان (سازمان ملی استاندارد) موظف است نسبت به ارزیابی انطباق کالاهای ساخت داخل، وارداتی و نیز خدماتی که از لحاظ ایمنی، بهداشت و سلامت عمومی حائز اهمیت می‌باشند با همکاری نهادهای ارزیابی انطباق تأیید صلاحیت‌شده اقدام و نتایج حاصل را جهت اطلاع عموم و مراجع ذی‌ربط اعلام کند.»

موجود میان این دو مفهوم است؛^۱ اما گاهی قانونگذار گزارش جرم را عالمی برای معافیت مرتکب جرم از مجازات و در قالب علت موجهه‌ی جرم به رسمیت شناخته شده که این امر در تبصره ماده ۵۹۲ ق. تعزیرات صورت گرفته است «در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد». گزارش جرم در این تبصره و به نظر قانونگذار از سوی مرتکبان جرم است، اما اعلام جرم مرتکبان را شامل نمی‌شود. لازم به ذکر است که گاه مقنن گزارش را ناظر به تخلفات می‌داند و این امر به نوعی بر تفاوت‌های موجود میان گزارش و اعلام جرم افزوده است. به عنوان مثال در ماده ۱۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان چنین مقرر شده است که «به منظور اجراء مقررات این قانون و سایر قوانین و مقرراتی که موضوع آنها به طور صریح یا ضمنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده است، وزارت بازرگانی مکلف است از طریق بازرسان سازمان‌های ذی ربط خود فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع این قانون را نظارت و بازرسی نموده و در صورت مشاهده تخلف مراتب را به سازمان تعزیرات حکومتی جهت رسیدگی گزارش نماید». از این حیث می‌توان چنین بیان نمود که گزارش واژه‌ای عام‌تر است که نسبت به تخلفات نیز تسری می‌یابد، اما اعلام جرم تنها ناظر به جرایم است.

۲.۱. دسته‌بندی موارد اعلام جرم

همان‌گونه که می‌دانیم یکی از وظایف شهروندی کمک به مقامات قضایی در جهت اعمال هر چه بهتر عدالت کیفری است. در این مسیر، اعلام جرم، به‌دوراز اغراض شخصی و سیاسی می‌تواند نقشی سازنده ایفا کند. با لحاظ قوانین موجود می‌توان اعلام جرم را به اختیاری و اجباری تقسیم کرد:

۱.۲.۱. اعلام جرم اختیاری

علاوه بر شهروندان که می‌توانند به صورت انفرادی وقوع جرمی را که از آن مطلع می‌شوند به سمع دادستان برسانند (ماده ۶۵ قانون آ.د.ک)، قانون‌گذار در قانون آ.د.ک. ۱۳۹۲ سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز، برای نخستین بار، مجاز به اعلام جرم شناخته است. برای این سازمان‌ها که باید اساسنامه آنها مربوط به حمایت از اطفال و نوجوانان، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی باشد، در همه موارد حقوق یکسانی مقرر نشده است: چنانچه اعلام جرم در زمینه‌های فوق‌الذکر باشد اعلام جرم‌کننده می‌تواند پس از آن در تمام جلسات دادرسی شرکت کند. در نخستین مصوبه مجلس شورای اسلامی برای اعلام جرم‌کننده علاوه بر حق شرکت حق

۱. از جمله مصادیق گزارش جرم در بند ث ماده ۱۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصریح شده است که یکی از وظایف ستاد مبارزه با قاچاق را «ایجاد واحد جمع‌آوری گزارش‌های مردمی در دستگاه‌های کاشف» دانسته است.

اعتراض به آراء قضایی نیز پیش‌بینی شده بود که در ماده ۶۶ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ این حق از آنها سلب شد. لیکن، در ارتباط با جرایم منافی عفت، حقوق سازمان‌های مردم‌نهاد با محدودیت بیشتری مواجه است. این سازمان‌ها فقط مجاز به اعلام جرم و ارائه دلایل خود در چهارچوب ماده ۱۰۲ قانون آ.د.ک. هستند و حتی از حق شرکت در جلسات محروم هستند.^۱ علاوه بر این، تبصره ۱ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) کسب رضایت بزه دیده خاص و کسب رضایت ولی، قیم، سرپرست قانونی یا قیم انفاقی را قبل از اعلام جرم، در همه موارد، ضروری دانسته است.

گاهی در برخی مقررات، مقنن با اشاره به گزارش جرم که در واقع همان اعلام جرم است در عین تأکید بر اختیاری بودن آن، آن را عاملی برای تخفیف و یا اسقاط مجازات تلقی نموده است. از جمله مهم‌ترین مصداق آن در تبصره ماده ۵۹۲ تجلی‌یافته است که به موجب آن «در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد». مصداق دیگر از موارد اختیاری بودن اعلام جرم را می‌توان در تبصره ۴ ماده ۹ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱ یافت. به موجب این تبصره «مؤسسه^۲ می‌تواند علاوه بر اعلام جرم و درخواست تعقیب متخلفین موضوع این ماده از مراجع قضایی، فرآورده‌های خارج از استاندارد و فاقد علامت استاندارد را از مراکز تولید، تمرکز، توزیع و فروش جمع‌آوری و توقیف نموده و به منظور جلوگیری از ادامه تولید این‌گونه فرآورده‌ها ابزار، ماشین‌آلات و وسایل تولید مربوط را موقتاً لاک و مهر نمایند^۳». البته ممکن است چنین برداشت گردد که در این مقرر، قید می‌تواند ناظر به اعلام جرم نیست و قسمت دوم تبصره مرتبط می‌باشد،

۱. انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود از سوی مقام قضایی انجام می‌شود.

۲. منظور مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران است.

۳. ماده ۹- هرگاه اجرای استاندارد در مورد کالاهایی اجباری اعلام شود، پس از انقضای مهلت‌های مقرر، تولید، تمرکز، توزیع و فروش این‌گونه کالاها با کیفیت پایین‌تر از استاندارد مربوط و یا بدون علامت استاندارد ایران ممنوع و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تعزیر اعم از احضار، وعظ، تذکر، توبیخ، تهدید و اخذ تعهد و حبس از یک ماه تا دو سال و جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پنجاه میلیون ریال به حکم محاکم صالحه محکوم خواهند شد.

تبصره ۱. عدم اجرای آیین‌های کار اجباری پس از انقضای مهلت‌های مقرر مشمول ضوابط این ماده می‌باشد.

تبصره ۲. رعایت کلیه مقررات استانداردهای اجباری در مورد کالاهای وارداتی الزامی خواهد بود.

تبصره ۳. مؤسسه می‌تواند با تصویب شورای عالی استاندارد مفاد این ماده را درباره کالاهایی که استاندارد تشویقی آنها در کشور اجرا می‌شود، معمول دارد.

اما قید علاوه بر این نشان‌دهنده‌ی این است که می‌تواند به اعلام جرم نیز مرتبط بوده و رویه‌ی این موسسه نیز حاکی از آن است.

در برخی مصادیق نیز مقنن به‌صراحت از تکلیف یا اختیار مقام تعیین شده در اعلام جرم سخن نگفته است و همین امر در رویه‌ی قضایی به اختیاری بودن تعبیر می‌گردد. بارزترین مصداق را می‌توان در رابطه با تبصره ۱ ماده ۶۸۸ ق. تعزیرات مشاهده نمود که به‌موجب آن «تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست شناخته می‌شود یا خیر و نیز اعلام جرم مذکور به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌باشد».

۲.۲.۱. اعلام جرم الزامی

اگرچه ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ رؤسا و مسئولان سازمان‌ها و مؤسسات، به شرح مندرج در ماده ۵۹۸ آن قانون را مکلف به اعلام جرم نموده و برای متخلف مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و انفصال موقت از خدمت در نظر گرفته است، لیکن این تکلیف ناظر به موارد اطلاع یافتن مقامات مذکور از وقوع جرایم ارتشاء کلاهبرداری، اختلاس و یا تصرف غیرقانونی و یا جرایم موضوع مواد ۵۹۹ و ۶۰۳ قانون مذکور است. در همین راستا، تبصره ماده ۱۳ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ مقرر می‌دارد که «هر یک از کارکنان دستگاه‌های موضوع این قانون که در حیطه وظایف خود از وقوع جرائم مذکور در دستگاه متبوع خود مطلع شود مکلف است بدون اطلاع سایرین مراتب را به‌صورت مکتوب و فوری به مسؤول بالاتر خود و یا واحد نظارتی گزارش نماید در غیر این صورت مشمول مجازات فوق می‌شود». قانون آ.د.ک. جدید در ماده ۷۲ دامنه جرایمی را که برخی کارکنان مکلف به اعلام جرم و اطلاع‌رسانی، در جرایم غیرقابل‌گذشت هستند به‌کل جرایم ارتكابی در حوزه کاری آنان گسترش داده است: «هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرایم غیرقابل‌گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند مکلف‌اند موضوع را فوری به اطلاع دادستان برسانند».

مصداق جالب دیگری که در قالب اعلام جرم الزامی قابل اشاره است در ماده ۷۲۲ ق. تعزیرات تصریح شده است که به‌موجب آن «چنانچه وسیله‌ی موتورسیکلت یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیک‌ترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد». ترک اعلام جرم از سوی دارنده‌ی وسیله‌ی نقلیه نیز نوعی نگرش الزامی و معطوف به مجازات گشته که از این حیث با دیگر مصادیق اعلام جرم متفاوت است.

گاهی اعلام جرم به اعلام موضوع مرتبط با جرم نیز تعبیر می‌گردد که به موجب آن مقنن برای مقام‌های قضایی مرتبط، نوعی تکلیف را تعیین می‌کند، این امر در ماده ۳۶۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ پیش بینی شده است که به موجب آن «هرگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رئیس حوزه قضائی مربوط اعلام می‌کند». در این مصداق، جرم از جرایم دارای جنبه عمومی هست که مقام دریافت‌کننده اعلام نیز مقام تعقیب عمومی است. همچنین شاید بتوان این نکته را تقویت شده اعلام نمود که اگرچه در ماده ۲۹ ق.آ.د.ک در قالب تبیین وظایف ضابطان دادگستری به اعلام جرم اشاره‌ای نشده است، اما رویه‌های عملی حاکی از نوعی عملکرد مبتنی بر اعلام جرم است و اینکه گاهی در قالب مفهوم کشف جرم، قبل از گزارش به مقام تعقیب مقدماتی اتخاذ و عمل مجرمانه اعلام می‌گردد.^۱ این امر در قالب نوعی الزام قابل تبیین به نظر می‌رسد که در قالب آن وظیفه‌ی ضابطین به سمت اعلام جرم جهت پیدا می‌کند؛ هرچند همین شیوه‌ی عملی می‌تواند حاکی از اختیار در اعلام جرم باشد. همچنین یک مورد جدید تکلیف اعلام جرم در ماده ۳ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ مقرر شده است که جایگاه ویژه و رویکردی نوین تلقی می‌گردد. به موجب این ماده «کلیه‌ی اشخاص مطلع از جرایم موضوع این قانون موظفانند مراتب را در اسرع وقت به مقامات اداری، انتظامی، امنیتی یا قضائی ذیصلاح اعلام کنند، در غیر این صورت به مجازات تعزیری درجه هفت محکوم می‌شوند». (خالقی، ۱۳۹۵؛ ص ۵۶)

درنهایت ذکر این نکته لازم است که اگرچه اعلام جرم از نوع تکلیفی بودن باعث تقویت حمایت از اқشار مختلف جامعه می‌شود، متأسفانه در حقوق ایران چنین تکلیف موسعی از حیث اطلاع موارد مجرمانه در قالب اعلام جرم برای شهروندان به‌ویژه در رابطه با بزه دیدگی اطفال و جرایم

۱. این امر نیز حتی در مورد ضابطین خاص جاری می‌باشد. به‌عنوان مثال به‌موجب تبصره ۴ قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۳۱ مردادماه ۱۳۹۶- بازرسان وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی در اجرای این قانون و مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ پس از فراگیری مهارت‌های لازم عندالاقضاء می‌توانند به‌عنوان ضابط خاص محسوب شوند.

۲. قسمت اخیر ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ نیز از این حیث شایسته‌ی اشاره است که خود می‌تواند در قالب عدم اعلام جرم مالک و مشمول مجازات معاون شدن قابل توجه باشد. به‌موجب این قسمت «اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت‌اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد - هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفند درمقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت بطرف برسانند».

ارتكابی علیه آنان وجود ندارد.^۱ این در حالی است که در برخی کشورها برای قرائت قانون‌گذار برای تکلیف اجتماعی اعلام جرم به مقامات صلاحیت‌دار، اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. علاوه بر بند ۲ ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری کشور فرانسه که به‌موجب آن کارمندان و مأموران دولتی مکلفاند جنحه و جنایاتی را که از آن مطلع می‌گردند، بلافاصله به دادستان اعلام کنند، طبق ماده ۱-۴۳۴ قانون مجازات ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ این کشور: «هرگاه شخصی از وقوع یا شروع به جنایتی اطلاع یابد و به‌رغم داشتن زمان کافی برای محدود کردن آثار جنایت یا جلوگیری از ارتکاب جنایات دیگر، مراتب را به اطلاع مقامات مسئول قضائی یا اداری نرساند، به سه سال زندان^۲ و جزای نقدی به مبلغ ۴۵ هزار یورو محکوم می‌شود». این جرم ذیل فصل ممنوعیت در ارجاع و تحقق عدالت دسته‌بندی شده است.

همچنین اعلام جرم تکلیفی به نحوی از اهمیت برخوردار است که مقنن برای ترک آن مجازات تعیین نموده است. به‌عنوان مثال امتناع از اعلام جرم از سوی کسی که از محرومیت [غذایی، دارویی و غیره]، بدرفتاری، آزار جنسی نسبت به صغار تا پانزده سال یا اشخاصی که به علت کهولت سن، بیماری یا معلولیت یا نقص جسمی و یا روانی و یا وضعیت بارداری مطلع شوند و مقامات قضایی و یا اداری را از آن مطلع نکند به مجازات سه سال زندان و ۴۵ هزار یورو جزای نقدی، به شرح مقرر در ماده ۳-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه محکوم خواهد شد.

۲. شرایط حقوقی ناظر به خودِ اعلام جرم

در قالب آغاز اعلام جرم بازشناسی برخی شرایط حقوقی از قبیل شخصیت اعلام‌کننده‌ی جرم و جرایم موضوع اعلام جرم لازم است که در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱.۲. شخصیت اعلام‌کننده‌ی جرم و ویژگی‌های آن

با توجه به اهمیت شخصیت اعلام‌کننده‌ی جرم و جایگاه و میزان عملکردی که مقنن بدان شخصیت می‌دهد به نظر می‌رسد بازشناسی این مفهوم مقدم بر دیگر مباحث حقوقی است. به نظر می‌رسد که با توجه به مفهوم اعلام جرم، فاعل آن را بتوان چنین تعریف نمود «اعلام‌کنندگان جرم

۱. مواردی را که متهم قبل از کشف جرم مأموران را از جریان امر مطلع می‌کند، مانند جرایم مندرج در مواد ۵۱۸ تا ۵۲۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ (شبهه‌سازی مسکوکات طلا و نقره ...) و بر اثر آن به استناد ماده ۵۲۱ قانون مذکور مشمول تخفیف مجازات قرار می‌گیرد باید از زمره موارد افراد مرتکب به ارتکاب بزه و نه اعلام جرم، در اصطلاح قانونی آن، تلقی شود.

۲. این مجازات در قانون جزای فرانسه قبل از ۱۹۲۲ یک ماه تا سه سال زندان و جزای نقدی از ۳۶۰۰ تا ۳۰ هزار فرانک بود. این تشدید کیفر را باید از جمله، از مظاهر افزایش جرایم و فساد مالی و اداری تلقی کرد.

افرادی هستند که بزه دیده نیستند^۱ و شکایت نمی‌کنند و تنها ممکن است شاهد جرم باشند یا به‌طور اتفاقی از وقوع جرمی مطلع شوند». بدین تعبیر ارتباط میان اعلام‌کننده و جرم واقعه یک رابطه‌ی مبتنی بر احساس مسئولیت اجتماعی بوده و از این حیث ارتباط مستقیمی میان نتیجه‌ی ارتکاب جرم و وی وجود ندارد.^۲

سؤالی که در ابتدا در رابطه با شخصیت اعلام‌کننده‌ی جرم مطرح می‌شود این است که آیا قرابت شخص اعلام‌کننده در انجام اختیار و یا تکلیف قانونی تأثیری دارد یا خیر؟ در همین راستا، قسمت اخیر ماده ۱-۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد که ابوبین و همسران آنان، برادران، خواهران و همسران آنان، همسر مرتکب یا معاون جنایت یا کسی که در وضعیت تأهل با آنان زندگی می‌کنند و نیز کسانی که مکلف به رازداری هستند، مشروط بر اینکه بزه دیده کمتر از ۱۵ سال نداشته باشد را از تکلیف به اعلام جنایت مستثنا کرده است. در حقوق کیفری ایران می‌توان به این سؤال چنین پاسخ داد که ممنوعیت خاصی در قوانین در رابطه با اعلام جرم تصریح نشده است و مصادیق ممنوعیت‌های مورد نظر نیز هر آن شخصی^۳ است که مقنن در قالب اعلام جرم الزامی بدان اشاره ننموده است.

نکته‌ی دیگر در ارتباط با شخصیت اعلام‌کننده‌ی جرم این است که ممکن است اطلاعات از سوی افراد به دلیل غرض‌ورزی صورت بگیرد. در این صورت، ضابطان مکلف‌اند حداکثر دقت را در کشف صحت و سقم آن، از همان آغاز معمول دارند. شاید به همین دلیل باشد که در بند ب از ماده ۶۴ ق.آ.د.ک با قید اشخاص موثق و مطمئن در صدد تأکید بر اهمیت شخصیت اعلام‌کننده‌ی جرم برآمده است. از این حیث می‌توان چنین بیان نمود که ضابطین دادگستری و دیگر سازمان‌های دولتی با توجه به جایگاه سازمانی‌ای که دارند به‌عنوان «اعلام‌کننده رسمی» و سایر اشخاص خصوصی به‌عنوان «اعلام‌کننده غیررسمی» به شمار می‌روند.

۱. این سؤال مهم قابل طرح است که این خود بزهکار نیز می‌تواند نسبت به اعلام جرم اقدام نماید؟ به نظر می‌رسد که فلسفه‌ی اعلام جرم ناظر به اشخاصی غیر از بزهکار و بزه دیده است. به همین دلیل شاید باشد که مقنن در بند ت ماده ۶۴ برای شخص بزهکار از واژه‌ای چون اظهار استفاده نموده است.

۲. در کشوری مانند کانادا، به نظر می‌رسد که حکومت داشتن دیدگاه حمایتی از بزه دیدگان از یک‌طرف و کشف جرایم و تأکید بر اعلام جرم از سوی همه از جمله نهادهای خصوصی باعث شده است که در به جریان انداختن دعاوی و حمایت از بزه دیدگان نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد را مشاهده نمود. علاوه بر این با تأمل در قوانین کشور کانادا می‌توان دریافت که در یک‌طرف دیدگاه‌های بزه دیده شناسی حمایتی خود به‌نوعی حکایت از پذیرش مشارکت همه‌ی اقشار جامعه از جمله این سازمان‌ها در دادرسی کیفری دارد. برای مطالعه‌ی بیشتر رک (باباخان بک، ۱۳۹۴)

۳. علت تأکید بر شخص و شخصیت در اعلام جرم این است که نه‌فقط اشخاص حقیقی بلکه اشخاص حقوقی نیز می‌توانند در اعلام جرم ایفای نقش کنند.

پرسش مهم دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا اعلام‌کننده جرم، در موارد اختیاری باید خود ناظر وقوع آن باشد؟ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) صرف ادعای اعلام‌کننده مبتنی بر اینکه که خود ناظر وقوع جرم بوده است را در ماده ۶۶ برای شروع به تعقیب کافی دانسته بود. سرانجام با لحاظ ایرادات^۱ شورای نگهبان، ماده ۶۵ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ با تغییراتی نسبت به ماده ۶۶ سابق به تصویب رسید: اول اینکه اعلام جرم، همانند گذشته باید ناظر به جرایم غیرقابل‌گذشت باشد؛ دوم اینکه در مواردی که اعلام جرم‌کننده خود ناظر وقوع جرم نیست نباید مطلقاً به اظهارات او بی‌اعتنا بود و لذا آنگاه که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته و یا جرم اعلام‌شده علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد مورد از موارد شروع به تعقیب خواهد بود. در مورد اعلام جرم‌کننده‌ای که خود شاهد وقوع جرم بوده است نیز قانونگذار دادستان را در صورتی مکلف به اقدامات قانونی کرده است که قراین و اماراتی دال بر عدم صحت اظهارات او وجود نداشته باشد (قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

همان‌طور که در بحث دسته‌های مرتبط با اعلام جرم بیان شد، گاه برخی از اعلام‌کنندگان مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط‌زیست در رابطه با جرایم علیه بهداشت عمومی و نیز سازمان میراث فرهنگی و ازاین‌دست موارد شخصیتی حقوقی دولتی و گاه در قالب ماده ۶۶ ق.آ.د.ک جنبه‌ی غیردولتی دارد (خالقی، ۱۳۹۵، صص ۱۳۴). به‌موجب ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی در خصوص شاکای یا مدعی خصوصی این دسته از جرایم: "در کلیه جرایم مذکور در این فصل سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی برحسب مورد شاکای یا مدعی خصوصی محسوب می‌شود". طبق مفاد این ماده شاکای یا مدعی بودن سازمان مانع از آن نیست که افراد حقیقی یا حقوقی یا ضابطان دادگستری اعلام جرم نمایند. اگر مالکان خصوصی اموال فرهنگی بر اثر ارتکاب جرم، متضرر شوند، می‌توانند ادعای ضرر و زیان خود را مطرح کنند. باوجوداین، از آنجایی که کلیه ابنیه و امکان مذهبی و ملی و اشیاء عتیقه ثبت شده در فهرست آثار ملی، جزو میراث فرهنگی، علمی و مذهبی و ملی است که متعلق به عموم مردم هست، بنابراین هر ایرانی که از وقوع یکی از جرایم مذکور مطلع گردد، حق اعلام جرم خواهد شد و این امر مانع از تعقیب کیفری از طرف سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی نخواهد بود.^۲ به‌علاوه اینکه در رابطه با اعلام‌کنندگانی که شخصیت حقوقی دارند شایسته‌ی اشاره است که در این سازمان‌ها به دلیل

۱. مصوبه اولیه مجلس شورای اسلامی در ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ نیز همان متن ماده ۶۶ را پذیرا شده بود. لیکن، شورای نگهبان قانون اساسی دو ایراد بر این مصوبه وارد کرده بود: نخست اینکه ممکن است شاهد وقوع جرم متهم به دشمنی و کذب باشد و دیگر اینکه در مواردی مانند اطلاع از کودتا و یا جرایم تروریستی نباید به بهانه اینکه اعلام جرم‌کننده شاهد امری نبوده از شروع به تحقیق و درنهایت تعقیب سرباز زد.

۲. همان، ص ۱۳۱.

وسعت دامنه‌ی فعالیت‌های سازمانی مقتضی است که در بطن هر کدام شخص و قسمت اعلام‌کننده‌ی جرم مشخص گردد که این امر علی‌رغم تقویت عملکرد در قالب اعلام جرم و افزایش حمایت از زمینه‌های پیش‌بینی‌شده باعث می‌گردد که تعیین ضمانت اجراها فارغ از شخصیت سازمان‌ها آسان‌تر گردد.

۲.۲. جرایم موضوع اعلام جرم

اینکه در کدام جرایم و باوجود چه قرائنی اعلام جرم موضوعیت پیدا می‌کند در ادامه و به ترتیب بیان خواهد شد.

۱.۲.۲. نوع جرم موضوع اعلام

فارغ از اختلاف‌نظری در تعریف جرم^۱، به‌موجب ماده ۲ قانون جدید مجازات اسلامی، هر رفتاری *اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود*. با این وصف جرمی که موضوع اعلام جرم قرار می‌گیرد باید رفتار یا ترک رفتاری باشد که دارای عنوان مجرمانه باشد. در قالب اعلام جرم مقرر در ماده ۶۰۶ ق. تعزیرات و نیز تبصره ماده ۱۳ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد نوع جرم برای اعلام‌کننده‌ی آن مشخص و آشنا است. در قالب ماده ۷۲۲ ق. تعزیرات نیز موارد مفقودی و یا سرقت وسایل نقلیه نیز رفتارهای مجرمانه‌ی مشخصی هستند که غیرقانونی بودن آنها برای دارندگان آن وسایل محرز است. به‌علاوه رفتارهای مغایر با بهداشت عمومی و نیز رفتارهای غیراصولی ناظر به میراث فرهنگی را می‌توان برای آن سازمان‌ها مشخص دانست؛ بنابراین، رویکرد قانونی به سمت انطباق حداقلی مبنی بر غیرقانونی بودن رفتار موضوع اعلام است و از همین رو لزوم تحلیل حقوقی و تحقق ارکان این جرم قبل از اعلام مورد انتظار نیست.

بدیهی است که با توجه به ماده ۶۶ ق.آ.د.ک علاوه بر وقوع جرم لزوم انطباق آن با زمینه‌های موردحمایت سازمان مردم‌نهاد مربوطه لازم است^۲ و این شرط باعث ایجاد حق برای این سازمان‌ها

۲. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (اردبیلی، ۱۳۹۳؛ آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۱، صناعی، ۱۳۸۹)

۲. شرط تشخیص میزان انطباق با زمینه‌های موردحمایت را باید به‌شرط دیگری به‌منظور اجرای هرچه بهتر آن ضمیمه نمود و آن اینکه در قالب اساسنامه یا با یک تقسیم وظایف درون‌سازمانی مشخص گردد که تشخیص میزان انطباق رفتارها با زمینه‌های موردحمایت بر عهده‌ی چه شخصی قرار دارد. این امر باعث می‌شود که اولاً یک وظیفه به‌طور نظام‌مند اجرایی شود؛ بدین معنا که جلوگیری نماید از اینکه همه‌ی افراد خود را صالح بدانند و یا برعکس آن نیز اینکه هیچ‌کس خود را صالح نداند. ثانیاً این امر باعث می‌گردد که موارد مشخص و قریب به یقینی اعلام جرم گردند و امور واهی اعلام نشوند.

برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (کربلایی احمد، ۱۳۹۴)

در جهت اعلام جرم خواهد بود. به عنوان مثال سازمان‌های حمایت از محیط‌زیست می‌توانند نسبت به تخلیه‌ی پسماندهای یک شرکت دولتی که فاضلاب خود را بدون تصفیه در محیط‌زیست رها می‌کند اعلام جرم نمایند. چراکه این عمل مصداق جرم آلودگی می‌باشد و این رفتار هم به موجب قانون تعزیرات جرم انگاری شده است.^۱

۲.۲.۲. قرائن مقتضی وقوع جرم موضوع اعلام

قانونگذار در متن اصلاحی ماده ۶۶ ق.آ.د.ک اقدام به حذف امکان ارائه دلیل نمود. شاید دلیل این امر آن است که شکایت از اعلام جرم جداست، در شکایت، شاکی موظف است دلایل خود را نیز اقامه نماید (بند ماده ۶۸ ق.آ.د.ک)، حال آنکه وقتی نحوه‌ی نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد در حد اعلام جرم تنزل پیدا کرده است، دیگر مجالی برای ارائه‌ی دلیل مطرح نخواهد بود؛ بنابراین با حذف امکان ارائه‌ی دلیل مباحث مهمی چون ضوابط ارائه دلیل از سوی نهادهای جامعه‌ی و دامنه‌شناسی شرکت در اقامه دلیل دیگر جایگاهی ندارد. در این تبصره به نظر می‌رسد که ارتکاب جرائم منافی عفت نسبت به برخی بزه دیدگان بی‌دفاع منشأ پیش‌بینی این ماده باشد؛ اما سازمان‌های مردم‌نهاد تنها در صورتی می‌توانند اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند که آن جرم منافی عفت اولاً در مرئی و منظر عام واقع شود و یا ثانیاً دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد؛ بنابراین تقاضای تعقیب و اعلام جرم از سوی این سازمان‌ها در غیراین موارد ممکن نیست. البته در اینجا این نکته ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه آیا در این تبصره با ارجاع به ماده ۱۰۲ به نحوی تفکیک قائل شده میان شاکی و اعلام‌کننده‌ی جرم کماکان پابرجا است یا خیر بحث مهمی است. بدین توضیح که چنانچه شاکی وجود داشته باشد بدین معنی است که سازمان مردم‌نهاد باید شخص بزه دیده را همراه خود سازد و یا خود سازمان مردم‌نهاد شاکی محسوب

۱. به موجب ماده ۶۸۸ ق. تعزیرات هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱. تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲. منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد

می‌گردد؛ به نظر می‌رسد که باب پذیرش هردو احتمال وجود دارد اما شاید احتمال لزوم وجود شاکی با صدر ماده‌ی ۶۶ قرابت بیشتری داشته باشد.

۳.۲. مقام دریافت‌کننده‌ی اعلام جرم

بدیهی است که در نگاه اول با نظر به ماده‌ی ۶۴ ق.آ.د.ک، بند ث و اشاره به اطلاع دادستان را می‌توان عنوان مطلق دانست که موارد اعلام جرم را دربرمی‌گیرد. از طرفی گاه بند ب از این ماده یعنی اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن در قالب اعلام جرم قرار می‌گیرد، اما این سؤال مطرح است که دریافت‌کننده‌ی این اعلام آیا در نهایت شخص دادستان است و یا به تکلیف نهایی ضابطین نباید توجه نموده و صرف اعلام جرم به آنان را مرحله‌ی نهایی اعلام جرم تلقی نمود؟ این سؤال به دلیل ابهام قانونی ناظر به دریافت‌کننده‌ی اعلام جرم مطرح می‌شود. در اصل سؤال این است که مقام‌های واسطه‌ای دریافت‌کننده (مانند ضابطین و برخی سازمان‌ها) جهت اعلام به دادستان را می‌توان در فرآیند اعلام جرم دارای جایگاه دانست و یا باید چنین بیان داشت که اعلام جرم تنها در زمانی کامل محقق می‌شود که به دادستان به‌عنوان مقام تعقیب تسلیم گردد؟ به نظر می‌رسد که وجود واسطه اگرچه طبق قانون جزئی از فرآیند اعلام جرم تبدیل می‌گردد، اما این فرآیند زمانی پایان می‌پذیرد که جرم به اطلاع دادستان به‌عنوان مقام تعقیب برسد. در همین راستا به‌موجب ماده ۴۰ از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، «دادستان شهرستان شکایت‌ها و اعلام جرم‌ها را دریافت و مطابق مقررات ماده ۱-۴۰ پیگیری آنها را ارزیابی می‌کند. هر مقام و مرجع ذیصلاح، مأمور دولتی یا کارمندی که در راستای انجام وظایفش نسبت به یک جنایت یا جنحه آگاهی پیدا می‌کند، موظف است بلافاصله دادستان شهرستان را در جریان موضوع قرار دهد و کلیه اطلاعات، صورتجلسه‌ها و اسناد مربوطه را به او تحویل دهد.» (تدین، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱). این مقرر نیز حاکی از آن است که زمان خاتمه یافتن فرآیند اعلام جرم اطلاع به دادستان است و دیگر اشخاص از جمله مأموران دولتی و کارمندان موظف به تسلیم کامل اطلاعات شده‌اند. نکته‌ی مهمی که ر آخر می‌توان با الهام از رویه‌ی قضایی کشورمان بیان نمود این است که با توجه به دشواری دسترسی به دادستان‌ها و نیز لزوم سرعت در رسیدگی به جرایم اعلام‌شده مقتضی است که با تعیین قسمتی ویژه، به‌عنوان مثال واگذاری به معاونت دادستان مرجع دریافت اعلام جرم با پاسخگویی تمام‌وقت مشخص گردد!

۱. لازم به ذکر است که اعلام جرم جامعی نوعی تبلور حق جامعه است و عملکرد مقام قضایی متولی تعقیب نیز نوعی عمل به نص مقرر در بند الف ماده ۹ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ یعنی «دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی» می‌باشد.

۳. شرایط حقوقی و چالش‌های ناظر به اثربخشی اعلام جرم

تحلیل برخی از شرایط حقوقی باعث خواهد شد که اعلام جرم در قالب عملی و پیاده‌سازی اثربخش‌تر ظاهر گردد. این شرایط که در قالب فرآیند اعلام جرم نیز قابل‌شناسایی هستند به مواردی اطلاق می‌گردند که توجه قانونگذار به آنها ساماندهی هرچه بیشتر و تأثیر مضاعف اعلام جرم را در پی دارد.

۱.۳. شیوه‌ی اعلام جرم

به‌طور کلی اگر جرمی به وقوع پیوسته بزه دیده‌ی آن جرم برای شکایت کافی است به دادسرای محل وقوع جرم مراجعه کند. در دادسرا ورقه‌هایی تحت عنوان شکوائیه مخصوص اعلام شکایت است. در این ورقه جزئیات مربوط به جرم و موارد دیگری که در ماده ۶۸ ق.آ.د.ک بیان شده است باید درج گردند. حال آنچه در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح نشده است شیوه‌ی اعلام جرم است. بدین تعبیر که سؤال مهم در این خصوص این است که اعلام جرم باید به شیوه‌های شفاهی بیان شود یا کتبی؟ با نظر به قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۶۴ تا ۶۹ می‌توان بیان داشت که اعلام جرم نیز می‌تواند به‌مانند شکایت به دو صورت کتبی و شفاهی تنظیم گردد... اولاً علت امکان کتبی بودن این است در متن ماده‌ی ۶۷ با اشاره به «گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌کننده و نویسندگان آنها مشخص نیست...» در مقام بیان اعلام جرم برآمده است. شفاهی بودن نیز تمام مصادیقی که در قالب عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، اعلام مفقودی و سرقت وسیله‌ی نقلیه، (ماده ۷۲۲ ق. تعزیرات)، اعلام جرم رشاء و ارتشاء (ماده ۵۹۲)، اعلام جرم علیه بهداشت عمومی (تبصره ماده ۶۸۸) موجود به نظر می‌رسد. هرچند لازم به ذکر است که با توجه به عدم وجود فرم‌های خاص اعلام جرم کتبی، به نظر می‌رسد که حتی در این موارد شفاهی نیز شخص اعلام‌کننده می‌تواند به صورتی کتبی نسبت به اعلام جرم اقدام نماید؛ حال آنکه در مصادیق کتبی از جمله دادن اظهاریه از سوی مالک به انتقال گیرنده (ماده ۱ قانون مجازات انتقال مال غیر) تنها شیوه‌ی اعلام جرم شیوه‌ی کتبی است.

۲.۳. ضمانت اجرای عدم اعلام جرم یا اعلام جرم غیراصولی و توأم با سوءنیت

بدیهی است که ضمانت اجرای ناظر به اعلام جرم در سه دسته‌ی مصادیق رفتاری قابل تبیین است: اولاً صرف ترک اعلام جرم در مصادیقی مشمول مجازات شده است. در همین راستا ماده ۶۰۶ ق.

۱. لازم به ذکر است که همین امر را می‌توان در قالب مفهوم شناسی مدنظر قرار داد و چنین بیان کرد که گاه مقنن برای بیان فرآیند اعلام جرم به گزارش متوسل می‌گردد.

تعزیرات در جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) و نیز تبصره ماده‌ی ۱۳ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد در جرایم حوزه‌ی دستگاه متبوع کارکنان این مجازات را پیش‌بینی نموده است «علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال». عدم اعلام سرقت و مفقودی پلاک و یا وسیله‌ی نقلیه نیز از سوی دارنده به استناد ماده ۷۲۲ ق. تعزیرات مشمول جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال شده است. عدم تسلیم اظهاریه از سوی مالک نیز به استناد ماده ۱ قانون مجازات انتقال مال غیر مشمول مجازات معاونت در جرم انتقال مال غیر (که همان مجازات کلاهبرداری را دارد) شده است^۱. مصداق دیگر از این حالت را می‌توان در ماده ۲۰ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ مشاهده نمود که به‌موجب آن «در مواردی که مأمور شکاربانی با اطلاع از وقوع جرائم مذکور در این قانون از جریان امر به مقام مسئول گزارش ندهد برحسب مورد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد». لازم به ذکر است که رویکرد مبتنی بر تشدید عدم اعلام جرم رویکرد خاصی است که اگرچه خلاف اصل به نظر می‌رسد اما تسری آن نسبت به مواردی نیازمند حمایت ویژه شاید قابل توجیه باشد. آخرین مصداق قانونی که به‌موجب آن صرف ترک فعل مشمول مجازات قرار گرفته است در ماده ۳ از قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم پیش‌بینی شده است. به‌موجب آن، چنانچه هر شخص مطلع از اعلام جرم منصرف گردد، این ترک فعل از سوی وی مشمول مجازات تعزیری درجه هفت قرار داده شده است که دامنه‌ی مجازات این ماده در ماده ۱۹ از ق.م.ا مشخص می‌باشد^۲.

حالت دوم از ضمانت اجرای ناظر به اعلام جرم در ارتباط با مواردی است که اگرچه اعلام جرم صورت می‌گیرد اما این اعلام جرم توأم با سوءنیت بوده و خلاف واقع است. به‌رغم فرض قانونی بودن ظاهر قضیه، اما گاه ممکن است اعلام جرم ناشی از سوءنیت اعلام‌کننده باشد. برای مقابله با چنین اعلاماتی قوانین اکثر کشورها مجازات‌های نسبتاً شدیدی مقرر کرده‌اند. در حقوق کیفری ایران ضمانت اجرای خاصی در قالب این نحو از سوءنیت کلی در اعلام جرم وجود ندارد؛ اما اگر این

۱. لازم به ذکر است که در تبصره ۲ از ماده ۲ قانون اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور نیز سکوت مسئول یا مسئولین ذی‌ربط از اقدام فوری به منظور جلوگیری از وقوع جرم اتخاذ نمایند معاون در جرم محسوب و مشمول مجازات مقرر برای معاون می‌شوند. به تعبیر نگارنده، از جمله مصادیق مهم برای جلوگیری از وقوع جرم اعلام آن است، از همین رو آن‌چنان این اعلام مهم می‌شود که عدم اعلام باعث می‌شود از اصول معاونت که تقدم یا اقتران زمانی است فراتر برود و در قالب آن مشمول مجازات گردد.

۲. درجه ۷

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه
- جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
- شلاق از یازده تا سی ضربه
- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

نحو از اعلام جرم با مقاصد و شرایط جرم افترا ارتکاب یابد از این حیث، به موجب ماده ۶۹۸ ق. تعزیرات قابل مجازات می‌باشد^۱. گاه نیز اعلام یا گزارش خلاف واقع خود مصداق مجرمانه‌ی خاصی را تشکیل می‌دهد که در این خصوص می‌توان به مصادیقی از جمله قسمت ابتدایی ماده ۲۰ قانون شکار و صید اشاره نمود «در صورتی که گزارش مأمور سازمان برخلاف واقع باشد مأمور مزبور به دو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهد شد»^۲.

در حالت سوم نیز گاه عمل شخص از صرف عدم اعلام جرم فراتر می‌رود و به نوعی در قالب رفتار مجرمانه‌ی مساعدت دیگری در فرار تجلی می‌یابد که به موجب ماده ۵۵۴ ق. تعزیرات قابل مجازات خواهد بود «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله‌ی جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد». لازم به ذکر است که تبصره‌ی این ماده تخفیف‌هایی را به رسمیت شناخته است «در موارد مذکور در ماده (۵۵۳)^۳ و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود».

دو نکته‌ی مهم در رابطه با بحث ضمانت اجرا لازم به اشاره است؛ اولاً اینکه چنانچه رفتار سازمان‌های مردم‌نهاد در قالب حالت‌های سه‌گانه‌ی فوق بگنجد احتمال مجازات آنان نیز قابل تصور

۱. ماده ۶۹۸ ق. تعزیرات- هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

۲. لازم به ذکر است که گزارش خلاف واقع مصداق مجرمانه‌ی مهمی است که در برخی جرایم از جمله جرایم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده است. جهت مطالعه‌ی بیشتر رک (جافری، ۱۳۹۴)

۳. ماده ۵۵۳ ق. تعزیرات- هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

چنان چه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی‌کننده یا کمک‌کننده^۴ او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود.

تبصره: در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی‌کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد.

است، هرچند از حیث شخص موضوع ضمانت اجرا ابهامات فراوانی وجود دارد که به نظر می‌رسد باید در اساسنامه‌ی هر یک از سازمان‌ها شخص متصدی و مسئول شناسایی گردد. ثانیاً اینکه در رابطه با عدم اعلام جرم نسبت به سازمان‌های چون وزارت بهداشت، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان میراث فرهنگی ابهام عملیاتی و قانون وجود دارد که این تبعیض افتراقی غیرقابل قبول به نظر می‌رسد.

۳.۳. پیگیری پس از اعلام از سوی اعلام‌کننده

بارزترین جلوه‌ی اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در جریان دادرسی در ماده‌ی ۶۶ آیین دادرسی کیفری متبلور شده است که بر اساس متن قبلی این ماده سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانستند علاوه بر اعلام جرم در زمینه‌های مذکور، در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه‌ی دلیل شرکت کرده و نسبت به آراء اعتراض نمایند. اعطای اختیار قانونی برای تعقیب و پیگیری این جرایم به نهادهای مذکور، موجب ارتقای مشارکت نهادهای مردمی در دادرسی کیفری می‌گردد، به‌موجب ماده ۶۶ ق.آ.د.ک سازمان‌های مردم‌نهاد از اعلام‌کننده‌ی صرف به دنبال‌کننده‌ی فعال روند دادرسی تبدیل شده‌اند. حذف اعتراض در اصلاحیه‌ی ۱۳۹۴ خود گواهی بر عدم امکان پیگیری است.^۱

۳-۴- چالش‌های ایفای نقش اعلام‌کنندگان جامعوی

به‌منظور تضمین اثربخشی ایفای نقش نهادها و اشخاص اعلام‌کننده‌ی جرم، رفع موانع و چالش‌های احتمالی ضرورت دارد. در رابطه با اعلام‌کنندگان مردمی-عادی اولاً نگاه کنشگران عدالت کیفری و مقامات متولی تعقیب عمومی نیازمند بازنگری است و مقتضی است که قسمت ویژه‌ای برای دریافت این موارد اعلام جرم پیش‌بینی گردد. ثانیاً این اعلام‌کنندگان از وظیفه‌ی قانونی خود مطلع نمی‌گردند و مقتضی است اطلاع‌رسانی گسترده‌ای با محوریت وظایف اجتماعی مرتبط با اعلام جرم طراحی و در دسترس عموم قرار گیرد. به‌عنوان مثال وظیفه‌ای که در ماده ۳ از قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به رسمیت شناخته شده است خود مستلزم اطلاع‌رسانی و مشخص ساختن قسمت‌های مختلف متولی دریافت موارد اعلام جرم است. همچنین در رابطه با سازمان‌های مردم‌نهاد متولی اعلام جرم نیز چالش اساسی عدم اعلام سازمان‌های متولی اعلام جرم به‌موجب

۱. لازم به ذکر است که در حکومت‌های دیکتاتوری، تکلیف به اعلام جرم ولو دادن افراد یک وظیفه ملی و میهنی قلمداد می‌شود، حقوق‌دانان نظام‌های دموکراتیک، در مورد مجرمان سیاسی، آن را از آثار استبداد فراگیر تلقی می‌کنند. قانون‌گذار، در قانون آ.د.ک. ۱۳۹۲ برای دادستان تکلیفی، در ارتباط با نامه‌ها و گزارش‌های بی‌نام، جز در مورد وجود قرائن کافی و یا موردی که این نوع نامه‌ها حکایت از وقوع امری کند که نظم و امنیت عمومی را مختل کند، برای شروع به تعقیب، در نظر نگرفته است.

تبصره ۳ ماده ۶۶ ق.آ.د.ک است.^۱ همین امر مهم‌ترین چالش اجرایی و مقدمه‌ی ایفای نقش سازمان‌های مردم‌نهاد است. مهم‌ترین چالش دیگر که در هر دو بُعد قابل‌بحث هست، مشخص نمودن قسمت مجزای ناظر به اعلام جرم می‌باشد که خود چالش و سردرگمی عملکرد را در رویه‌ی قضایی به وجود می‌آورد.

نتیجه‌گیری

اعلام جرم و پذیرش آن به‌عنوان آغازگر دادرسی کیفری درصدد حمایت از حوزه‌های حساس و مستلزم حمایت کیفری است. در همین قالب، اعلام جرم به معنای صرف اعلام کتبی یا شفاهی اشخاص که نه بزه دیده هستند و نه بزه‌کار، مفهومی فرآیند مدار و حقوقی است که در مصادیقی مقنن آن را با مفاهیمی چون گزارش جرم خلط نموده است؛ به‌نحوی که این التقاط نگرش قانونگذار باعث تلقی واحد وی از این دو مفهوم شده که شاید این نگاه را مقتضی سازد که باید یکی از این دو واژه را برمی‌گزید. به‌علاوه به نظر می‌رسد که اگرچه مصادیق اختیاری و الزامی اعلام جرم سعی نموده‌اند که مصادیق کاملی را مورد اشاره قرار دهند، اما به نظر می‌رسد که رویکرد تقنینی در این خصوص از جامعیت برخوردار نبوده و برخی از جرایم مهم مانند قتل-مگر در صورت شمول مصادیق مقرر در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک- مورد اشاره قرار نگرفته است. عدم اعلام جرم نیز چنانچه معطوف به فرهنگ‌سازی مشارکت اجتماعی در اعلام جرم باشد باید سیاست تعیین ضمانت اجرای واحدی ترسیم گردد. بدین تعبیر که در تعیین عنوان مجرمانه از حیث معاونت در جرم و یا تعبیر مرتبط با عناوین مستقل مجرمانه یک رویکرد را برگزیده و به‌تناسب آن نیز بسته به حوزه‌ی عدم اعلام جرم ضمانت اجرای کیفری تعیین ساخت. از طرفی نیز ضرورت نظام‌مندسازی شرایط حقوقی آغاز و افزایش اثربخشی اعلام جرم در قانون آیین دادرسی کیفری، آن‌هم در کنار شکایت از جرم بسیار ضروری به نظر می‌رسد. درنهایت اینکه، به نظر می‌رسد که می‌توان برای دریافت اعلام جرم علاوه بر ایجاد شماره‌های سه‌رقمی یا چهاررقمی و نیز ایجاد دفتری خارج اما در مجاورت دادسرا نسبت به تقویت پذیرش عملی و پیاده‌سازی صحیح اعلام جرم اقدام نمود.

در خصوص دامنه‌ی اعلام‌کنندگان جرم، از یک‌سو، پذیرش مُنفعَل عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک جایگاه اعلام جرم را در مطالعات شکلی حقوق کیفری پررنگ نمود. از سوی دیگر بی‌اطلاعی جامعه‌ی مردم خود به عاملی برای بی‌عمل مانی این سیاست مهم است. چنانچه وجود

۱. تبصره ۳ ماده ۶۶ مقرر کرده است که «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد»

رانت و مسامحه‌کاری کنشگران دولتی اعلام‌کننده‌ی جرم را نیز مدنظر قرار داد، می‌توان دریافت که اعلام جرم از اهداف اساسی خود بسیار دور مانده و مقتضی است که چالش‌های قضایی، تقنینی رفع گردد و در کنار آنها توجه ویژه‌ای به بسترسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مبذول گردد.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ بیستم تهران، انتشارات سمت
۲. آقای جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۱)، حقوق کیفری عمومی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ بیستم تهران: نشر میزان
۴. باباخان‌بک، سارا (۱۳۹۴)، رویکرد حقوق ایران و کانادا به نقش نهادهای جامعه‌ی در تعقیب دعوای کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
۵. تدین، عباس، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی
۶. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰)، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران: نشر میزان
۷. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۲)، «جهانی‌شدن حقوق کیفری شکلی در جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی»، رساله دکتری و حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
۸. خالقی، علی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ سی و پنجم
۹. خالقی، علی (۱۳۹۴)، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم تهران: انتشارات شهر دانش
۱۰. دلماس مارتی، میری (۱۳۸۴)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، جلد نخست، چاپ اول، تهران: نشر میزان
۱۱. زینالی، امیرحمزه، (۱۳۹۳) «سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه حق دادخواهی کودکان بزه دیده (حق بر شکایت)»، (مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۳
۱۲. کربلایی احمد، عاطفه (۱۳۹۴)، حق دادخواهی نهادهای جامعه‌ی در قلمرو عدالت کیفری ایران با نگاهی به آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، قزوین: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات قزوین
۱۳. کریمی، فاطمه (۱۳۹۵)، حمایت از گزارشگران فساد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی شیراز: دانشگاه شیراز
۱۴. کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲)، «سازمانهای غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، (پژوهش حقوق کیفری)، ش ۴
۱۵. صانعی، پرویز (۱۳۸۹)، حقوق و اجتماع، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو
۱۶. صفاری، علی و سحر سیفی (۱۳۹۴)، «تاثیر نوع جرم، اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، ش ۲۳
۱۷. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۶)، درس گفتار آیین دادرسی کیفری، کتاب دوم، دعوای ناشی از جرم (مرحله پیش دادرسی)، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، تابستان.